فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال نهم، شماره سی و سوم، بهار ۱۳۹۸
مقاله پژوهشی، صفحات ۹۷ – ۱۱۵

مالیات قبطی‌ها در نظام مالیاتی ممالیک

طاهره عظیم زاده تهرانی[۱]
غلامحسین بشکنی[۲]
شهربانو دلبری[۳]

چکیده

امور مالیاتی دورهٔ ممالیک (حک. ۶۴۸-۹۲۳) به سبب نبود نظـام مـنظم و ثابـت و نیـز دشواری در مدیریت بودجه، همواره در حال تغییر و دگرگونی بـود. بـا توجـه بـه اینکـه بخشی از درآمدهای ممالیک مانند دولت‌های پیشین بر گرفتن مالیـات از غیرمسـلمانان قبطی استوار بود؛ منابع این دوره نشان می‌دهد ممالیک به سبب عوامل گوناگون مجبور شده‌اند تا در شیوهٔ دریافت مالیات و انواع آن از غیر مسلمانان تغییراتی ایجاد کنند. ایـن مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که مالیات قبطی‌ها در دوره مالیک چه تغییراتـی کرده و این تغییرات چه تأثیری در نظام مالی و درآمدهای ممالیک داشـته اسـت؟ بنـابر یافته‌های این پژوهش، قبطیان با پرداخت مالیات‌های جزیه، ساحل‌الغَلّه، حقوق‌سلطانیه، مَظالِم، مُکوس، مواریث، جریمه و مالیات تجهیز سپاه، تأثیر بسیاری بـر افـزایش درآمـد ممالیک داشته و در نهایت در رفع تنگناهای مالی و اقتصادی دولـت ممالیـک و بهبـود وضع اقتصادی آنان نیز موثر بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ اقتصادی مصر، جزیه، قبطی‌ها، نظام مالیاتی ممالیک، مالیـات‌هـای قبطی‌ها.

۱- دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (نویسنده مسئول).
ta-azim@yahoo.com
۲- دانشـجوی دکتـری تـاریخ و تمـدن ملـل اسـلامی دانشـگاه آزاد اسـلامی واحـد مشـهد.
gholamhoseinbeshkani@gmail.com
۳- استادیارگروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد. tarikh-2003@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱٤

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

درآمد

پس از تسلط مسلمانان بـر مصـر قبطیـان مخصوصـاً در دوران بحـران و رکـود، بـا پرداخت انواع مالیات تأثیر زیادی بر اقتصاد این کشور داشتند. هنگام ورود مسلمانان به مصر در سال ۲۱ هجـری، عمـروبن‌عـاص بـه عنـوان نماینـده مسـلمانان بـا قبطـی‌هـا مصالحه‌نامه‌ای امضاء کرد که براساس آن مردان قبطی دو دینار جزیه پرداخت کردنـد و زنان و کودکان از پرداخت جزیه معاف شدند. از مفاد دیگر این مصالحه‌نامـه، پـذیرایی سه روزه قبطیان از مسلمانان و در اختیار گذاشتن اراضی و امـوال بـه آنـان بـود (ابـن عبدالحکم، ۵۳-۷۲).

قبل از فاطمیان نقش قبطی‌ها در امور دیوانی و حکومتی اندک بود. در دوره فاطمیان، قبطیان با کمک به کشورداری و اداره دیوان‌ها و جمع‌آوری مالیات‌ها به موجودیت خود ادامه دادند. به سبب مهارت بالای قبطی‌ها در اداره دیوان‌ها و امور حکومتی، نقش آنان در دورهٔ فاطمیان (حک.۲۹۷-۵٦۷) بیشتر شد. هرچند تـا ایـن دوره تـأثیر قبطـی‌هـا در پرداخت مالیات دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بود (محمود، ٤). قبطی‌هـا عـلاوه بـر پرداخت مالیات به سبب قابل اعتماد بودن در امور اقتصادی مصر نقـش بسـیار مهمـی داشتند (عامرفاطمه، ۱۷٤). پس از فاطمیـان ایوبیـان (حـک.٥٦۷-٦٤۸) و ممالیـک نیـز روش آنان را در سپردن امور اداری و دیوانی به قبطیان ادامه دادنـد. دو گـروه ممالیـک بحری (٦٤۸-۷۸٤) و ممالیک برجـی (۷۸٤-۹۲۳) بـا همـان روش دریافـت مالیـات از قبطی‌ها جایگاه عمدهٔ آنان را در اقتصاد و حکومت ممالیک حفظ کردند (نجوان‌احمـد، ۱٥٤). نه تنها وضع اقتصادی و پرداخت مالیات به طور کلی در عصـر ممالیـک مصـر، بلکه پرداخت هر نوع مالیاتی که به صورت اختصاصی از قبطی‌ها دریافـت مـی‌شـد در این دوره فراز و فرود زیادی داشت. سؤال اصلی این پژوهش، تأثیرگذاری قبطی‌هـا در وضع اقتصادی و نظام مالیاتی مصر است؟ درباره نظام مالی و اقتصـادی دوره ممالیـک تحقیقات و آثار چندی انجام شده که در ضمن آنها به قبطی نیز شاراتی شـده‌اسـت. بـا این حال تاکنون تحقیق مستقلی درباره این موضوع انجام نشده‌اسـت. از مهمتـرین آثـار مرتبط با این مقاله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کتاب *النظم المالیه فـی مصـر والشـام زمن سلاطین الممالیک* اثر البیومی (۱۹۹۸م) و مقاله قزوینـی و همکـاران (۱۳۹٥ش) بـا

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

عنوان «ضعف و سقوط حکومت ممالیک، دلایل و زمینه‌های اقتصادی»، به وضعیت مالی مصر و شام در زمان ممالیک می‌پردازند و در آن به مالیات‌های قبطیان نیز اشاراتی دارند. در فصل هفتم کتاب *چهارچوبی برای پژوهش در تاریخ اسلام*، مقاله‌ای با عنوان «سازمان مالی امپراتوری ممالیک» اثر آر. استیفن هامفریز (۱۳۶۹ش)، منابع مربوط به نظام مالی ممالیک معرفی شده‌است. کتاب *اقباط والمسلمون منذالفتح العربی الی عام ۱۹۲۲م* از تاجر جاک (۲۰۱۰م)، نیز به طور کلی به روابط قبطی‌ها و ممالیک پرداخته است. آقای عبدالله متولی (۱۳۶۱ش) در رساله دکتری با عنوان *وضعیت اقتصادی ممالیک برجی*، و رضا جهانشلو (۱۳۹۳ش) در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان *منابع حکومت ممالیک برجی در مصر*، ضمن بررسی وضع اقتصادی ممالیک برجی اشاراتی نیز به جایگاه اقتصادی قبطیان دارد. با این همه هیچ‌کدام از این‌ها به تأثیر قبطی‌ها در نظام مالیاتی ممالیک متمرکز نشده‌است.

نظام مالیاتی ممالیک

نظام مالیاتی ممالیک بر خراج از اراضی خراجی (کشاورزی)، جزیه (سرانه)، مُکوس (عوارض گمرکی) و عُشُور استوار بود. مالیات‌ها در این عصر با نام‌های مختلفی چون «المَغارِم» (تاوان و غرامت)، «الکلّف» (مشقت و سختی) و «المَظالِم» (آنچه از روی ستم گرفته شود) شناخته می‌شدند، که بازتاب‌دهندهٔ افکار عمومی دربارهٔ آنهاست (قاسم، عصر سلاطین‌الممالیک، ص۱۲). در منابع از مالیات‌های این دوره چنین عناوینی یاد شده‌است تا میزان ظلم و ستم سلاطین ممالیک را در حق رعایای مصری خویش بیان کند. به نظر می‌رسد که این عناوین در دیوان‌های دولتی نیز به‌کار می‌رفته‌است، زیرا قلقشندی (ج۳، ص۵۲۶) می‌گوید اسامی مردم برای أخذ مالیات در دفاتری به‌نام المُکَلَّفَة (مشمولین مالیات) ثبت می‌شد.

پس از ظهور و ثبات نظام اقطاعی در جهان اسلام این نوع واگذاری زمین در مصر نیز از اواخر دورهٔ فاطمیان و ایوبیان رواج یافت. به نظر می‌رسد اقطاعات در دوره ممالیک همچون دوره سلجوقی نخست به صورت غیرموروثی، با نظارت دولت مرکزی و منطبق بر قوانین و قواعد معین بود اما به‌تدریج، اقطاعات به سمت موروثی شدن

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

پیش رفت. طبیعی بود که در سایهٔ این نظام اقطاعی، جامعهٔ مصر در عهد ممالیک در ارتباطات و گرایش‌هایش، جامعه‌ای طبقاتی باشد؛ امری که آشکارا در همهٔ مظاهر زندگی مصر آن عصر بازتاب یافته‌است. این جامعهٔ طبقاتی به نظر ابن خلدون (ج۱، ص۲۰۷) به دو طبقهٔ سلطان و رعیت تقسیم می‌شد. بنابراین جامعهٔ مصر آن دوره به دو طبقهٔ حاکم و رعیت یا سلطان و دستگاه حاکم با دو بازوی نظامی و مدنی‌اش و رعایای مصری تقسیم می‌شد. ارتباط بین سلطان و رعیت براساس حقوق و وظایف متقابل تعریف نمی‌شد. زیرا در این نظام طبقاتی سلطان و فرماندهانش به مصر و اهالی آن به‌عنوان وسیله‌ای برای کسب سریع ثروت می‌نگریستند از این‌رو، رعایا باید حاصل دسترنج خود را به حاکم می‌پرداختند (قاسم، همانجا). براساس این نظام طبقاتی، اراضی زراعتی در مصر به بیست وچهار قیراط (بخش) تقسیم می‌شد که سلطان چهار قیراط را به خود و ده قیراط به سپاهیان اختصاص می‌داد و ده قیراط باقی مانده را به فرماندهان واگذار می‌کرد. در این میان برای مردم مصر غیر از زراعت و تسلیم دسترنج (محصولات زراعی) خود به پادشاهان چیزی باقی نمی‌ماند. حاکمان از زمین‌های اقطاعی مالیات‌هایی چون: خراج، جزیه، زکات، عوارض از استخراجات معادن، احباس (توقیف و ضبط اموال) و مُکوس دریافت می‌کردند (اسماعیل، ۳۰۲-۳۰۳، ۳۱٤-۳۲۹؛ قاسم، همان، ۱۱). در کنار این مالیات‌ها قبطی‌ها نیز پنج نوع مالیات می‌پرداختند: ۱- مالیات سرانه یا جزیه ۲- خراج (مالیات ارضی) ۳-رسم گندم ٤- مبلغی برای تأمین عوارض و مالیات‌های فوق‌العاده، حق‌الحفاظه، ضیافت و جامه‌بهای مسلمانان ٥- مبلغی برای تأمین مخارج مأمورین محلی (دنت، ۱۷۳).

در پیِ فساد نظام اقطاعی در اواخر عصر ممالیک نه تنها زمین‌های مرغوب کشاورزی در انحصار عده‌ای خاص قرار گرفت، بلکه کشاورزان به عنوان بردهٔ صاحبان اقطاع، از هر گونه حقوقی بی‌بهره بودند (طقّوش، ٥٦۲). همین تقسیمات نامناسب و بی‌توجهی و غفلت از زمین باعث گرانی و قحطی در اثر محجور ماندن کارکرد اصلی زمین‌ها شدند. از این رو بی‌دلیل نیست که در کنار دیگر عوامل و مشکلات اقتصادی، باید فساد نظام اقطاعی و پرداخت مالیات سنگین و بی‌توجهی و تقسیم ناعادلانه زمین را از عوامل مهم ضعف نظام مالیاتی و متشنج شدن آن ذکر کرد. هم‌چنین یکی از مصادیق ناامنی در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

حوزه مالیاتی، مصادره اموال و املاک مردم بود که سلاطین و امرای مملوکی در سطح وسیع انجام می‌دادند. در همین جهت، وادار کردن مردم به پرداخت مبالغ زیاد به حکومت یا مصادره اموال آنان به دلیل مشکلات مالی حکومت، در دوره حکومت سلاطینی چون قانصوه غوری (حک. ۹۲۲– ۹۰۷) به اوج خود رسید (طقوش، ٥٦٦).

وضع اقتصادی ممالیک

به قدرت رسیدن ممالیک با تغییراتی در زمینه تجارت بین‌المللی همراه بود. در پی حملات مغولان راه‌های خشکی چین و آسیای صغیر و بندرهای دریای سیاه پر مخاطره شد و فعالیت دزدان دریایی در سواحل بحرین، قطر و سواحل ایرانی خلیج‌فارس رو به افزایش نهاد. از این‌رو تاجران از پیمودن راه دریایی از چین به هند و هرمز در خلیج‌فارس پرهیز می‌کردند و راهشان را از اقیانوس هند به سمت دریای احمر تغییر دادند. این راه دریایی که تأثیر فوق‌العاده‌ای بر اقتصاد ممالیک بحری (٦٤٨–٧٨٤) می‌گذاشت به دو شاخه تقسیم می‌شد: راه اول از طریق سینا به دمشق و بندرهای دریای مدیترانه منتهی می‌شد و راه دوم از طریق صحرا به سوی نیل و سپس قاهره و دوباره از طریق نیل به اسکندریه می‌رسید. این شکوفا شدن راه دریایی دریای سرخ، خدمت فراوانی به دولت ممالیک در ابتدای شکل‌گیری آن داشت و مصر واسطه میان تجارت شرق و غرب شد. بعضی از این سلاطین مملوکی مثل قلاوون (٦٧٨– ٦٨٩) از کاروان‌های تجاری در مقابل اعراب بدوی حمایت می‌کردند، در این میان عایدات فراوانی نصیب تاجران مصر و اروپایی می‌شد، این روابط تجاری به‌قدری مستحکم بود که حتی تلاش پاپ‌ها در قطع این تجارت هم مؤثر واقع نشد (شبارو، ١٥٤–١٥٧). دو شهر عیذاب[1] و سواکن[2] پیش از بحران‌های طبیعی مثل وبا و خشک‌سالی و کم شدن آب نیل و بحران‌های خودساخته مثل فساد اداری و اجتماعی اهمیت اقتصادی داشتند. در منطقه مدیترانه چهار شهر اقتصادی و تجاری اسکندریه، دمیاط، رشید و بیروت که

۱– شهر بندری کوچکی در ساحل دریای سرخ در مسیر کشتی‌های عبوری از عدن به صعید بود (یاقوت حموی، ٤/ ١٧١).

۲– بندری مشهور در ساحل دریای سرخ نزدیک عیذاب بود (یاقوت حموی، ۳/ ۲۷٦).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

روابط اقتصادی را با جهان خارج تنظیم می‌کردند با منابع جنگلی و معدنی فراوان، کمک شایانی به اقتصاد مصر مملوکی داشتند (میکل و لوران، ۱/۳٤٦-۳٤۸).

با اینکه وضع اقتصاد به نفع نظام مالی مصر در دوره ممالیک بحری تغییر یافته‌بود اما برخی بحران‌های اقتصادی و اجتماعی مشکلاتی را برای دولت مرکزی ایجاد می‌کرد. چنانکه زمان عادل کُتبُغا (٦۹٤- ٦۹٦) در سال ٦۹٦ به علت نباریدن باران، گرانی بر مردم مصر تحمیل شد و بر اثر گرسنگی حدود سی هزار نفر از مردم، این منطقه را به داخل مصر ترک کردند. کم آبی سال ٦۹٦ در فسطاط[1] و قاهره بحران‌هایی را به وجود آورد و گرانی فوق‌العاده‌ای را بر مردم تحمیل کرد (مقریزی، *اغاثة الامة بکشف الغمة*، ۳۲-۳۳). در سال ۷۳٦، کم شدن و گران شدن گندم بحران اقتصادی را در دوره پادشاهی ملک ناصر به وجود آورد. به گونه‌ای که سلطان انبارهای گندمش را بین مردم و نانوایان توزیع کرد. در سال ۷۷٦، بحران دیگری پدید آمد که علت آن کم شدن آب نیل گزارش شده‌است (همان، ۳۹-٤۰). به نظر می‌رسد طغیان نیل و کم آبی سرمنشأ بیشتر بحران‌های اقتصادی دوره ممالیک بحری بود البته بنا به گزارش مقریزی، در دوره ممالیک برجی، رشوه، ثروت‌اندوزی امیران دولتی و رواج سکه‌های مسی به نام فلوس بر مشکلات اقتصادی مردم افزوده بود (همان، ٤۳-٤۷). انتشار طاعون‌های وحشتناک در دوره ممالیک برجی به‌ویژه در سال‌های ۸۷۳، ۸۸۸، ۸۹۷، ۹۰۳، ۹۰۹، ۹۱۲ و ۹۱۹ باعث کشته شدن هزاران نفر شد که در ضعف اقتصادی مصر و به‌ویژه قبطیان که عموماً کار کشاورزی انجام می‌دادند تأثیر داشت (شبارو، ۱٦۲). با توجه به گزارش‌ها در این زمان رکود و بحران اقتصادی، تمام مردم مصر از جمله مسیحیان قبطی را درگیر کرده‌بود. در نتیجه این بحران، نابودی نظام اقطاعی، افزایش هزینه‌ها (عطا، ۱۲۲۷) و مصادره اموال رخ نمود (ابن ایاس، ٤٤۳/۳). به نظر می‌رسد همه این موارد موجب افزایش و تنوع مالیات‌ها به‌ویژه برای قبطی‌ها بوده‌است.

۱- فسطاط به معنی شهر نظامی در قرون اولیه اسلام «مصر» نامیده می‌شد. از دوران صلاح‌الدین ایوبی فسطاط و قاهره به تدریج به هم متصل شدند و آن دو را با هم مصروالقاهره می‌خواندند و مورخان خطط، آثار خود را با عنوان خطط مصر والقاهره می‌نگاشتند. بعد از مدتی واو بین آن دو برداشته و به آن مصرالقاهره گفته شد. بعد از ویرانی شهر فسطاط، تنها شهر قاهره در منابع معرفی شده است (نورایی و شعربافچی‌زاده، ۱۹).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

انواع مالیات قبطی‌ها

قبطی‌ها جزیی از ساکنان مصر دوره مملوکی بودند و از حوادث جاری تأثیر می‌پذیرفتند. آنها همواره تسلیم سیستم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مصر بودند. علاوه بر تبعیت از تحولات قوانین حکومت ممالیک، در پرداخت مالیات نیز تابع حکومت بودند (قاسم، اهل الذمه فی مصر الوسطی، ١٤٥). آنان مالیات گوناگونی می‌پرداختند:

الف: جزیه

جزیه مبلغ سرانه یا سربهایی بود که از اهل کتاب به صورت سالیانه گرفته می‌شد و اگر کسی در طول سال فوت می‌شد از ارث او نیز به اندازه آنچه در آن سال زندگی کرده گرفته می‌شد. این جزیه یا به خاطر کفرشان و از باب تحقیر یا از جنبه مدارا و دوستی و برای ایجاد امنیت از آن‌ها گرفته می‌شد (ماوردی، ١٨١؛ مقریزی، *الخطط*، ٢٠١/١؛ قلقشندی، ٥٣٠-٥٣١). جزیه بر مرد آزاد و عاقل واجب بود و از کودک و زن و دیوانه گرفته نمی‌شد چون این‌ها عائله مرد بودند (نویری، ١٧٤/٨).

در نظام مالی و اداری مصر، به جای واژهٔ جزیه، اصطلاح جوالی به‌کار می‌رفت. جوالی، جالیه، جالهٔ، جالیه و جوال، به گروه‌هایی از اهل ذمه گفته می‌شد که به سرزمین دیگری مهاجرت کرده‌بودند، امّا این واژه بعدها مترادف جزیه شد (خوارزمی، ٤٠؛ ابن منظور، ذیل واژهٔ «جلا»). جزیه علاوه بر اینکه یکی از مهم‌ترین موارد مالی برای دولت بود یکی از شرایط اساسی در عقد ذمه نیز به شمار می‌رفت. جزیه یکی از چهار نوع مالیاتی بود که در مصر اسلامی دوره ممالیک از اهل ذمه گرفته می‌شد. قبطی‌ها در حکومت ممالیک، وضعیت یکسانی نداشتند، گاهی جلوی فعالیت آن‌ها گرفته و کلیساهایشان بسته و از آنها جزیه گرفته می‌شد. با وجود اینکه قبطی‌ها به علت درگیری‌های داخلی، رنگ آسایش و آرامش در زندگی‌شان نمی‌دیدند. اما با پرداخت جزیه به نوعی تحت حمایت حکومت ممالیک تقریباً زندگی آرامی داشتند و از نظر دینی مورد ظلم و ستم واقع نمی‌شدند (بوتشر، ٢٤٩).

در این دوره به علل مختلف، از جمله گرویدن بسیاری از نصارای قبطی به اسلام، درآمد جزیه کاهش یافت. در آغاز حکومت ممالیک بحری (٦٤٨)، درآمدِ جزیه مختص

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

سلطان بود و مصارف عمومی نداشت. از سال ۷۱۵، پس از اصلاحات ارضی به نام بـه روک[1] ناصری، در زمان الناصر محمد بن قلاوون (حک. ٦٩٨–٧٠٨)، وصـول جزیـه از اهل ذمهٔ هر منطقه به صاحب خراج آن منطقه واگذار شد و هزینه‌کـرد آن بـه مصـارف عمومی تغییر یافت (مقریزی، *الخطط*، ١٦٥/١). چون در این اصلاحات، به نصارا آزادی عمل بیشتری در نقل مکان زندگی اعطا شده‌بود، عملاً فرار از جزیه نیز آسان‌تـر شـد و درآمد دولت از محل جزیه به‌طور چشمگیری کاهش یافت (اسـماعیل، ٣٢٦). از سـوی دیگر، دولت برای جبران این کسر بودجه به راه‌های دیگری متوسل می‌شد، مانند أخـذ جزیهٔ مضاعف یا دوبار در سال (مقریزی، *الخطط*، ٤١٦/٤). بر خلاف سـنت قـدیم، کـه معمولاً جزیه در ماه محرم گرفته می‌شد، در این دوره، موعد أخذ جزیـه بیشـتر در مـاه رمضان بود (Stilt, 122). در دورهٔ ممالیک برجی، جزیه اهمیت بیشتری یافت.

کم شدن درآمد مالیات‌ها در این دوره باعث ایجاد تفرقه بین دولت و نظـام اقطـاعی شد (قاسم، *اهل الذمه*، ٨٧). ملک مؤید شیخ (٨١٥–٨٢٤) در گـرفتن جزیـه جـدیت بـه خرج داد و از ثروتمندان اهل ذمه چهار دینار، طبقه متوسط دو دینار و فقیر یـک دینـار جزیه گرفت (مقریزی، *السلوک*، ٣٤٠/٦–٣٤١). وی در ماه رمضان سال ۸۱۵، یهودیان و مسیحیان را در کنار مسجدالحاکم قاهره گرد آورد. خطیب مسـجد ابـن‌طولـون، قاضـی عسکر و صدرالدین‌بن العجمی محتسب قاهره نیز در این گردهمایی حضور داشتند. این سه مقام رسمی و سلطان متفق شدند که از هر فرد مسیحی و یهودی مالیات به صورت مستقیم جمع‌آوری شود. بر این اساس اسامی مسـیحیان و یهودیـان حاضـر بـه منظـور دریافت جزیه بر اساس استطاعتشان ثبت شد. این درحـالی بـود کـه قـبلاً از جماعـت قبطی‌ها به صورت کلی یک مبلغ واحد در حدود سی هزار درهم گرفته می‌شد (Stilt, 122). سال بعد به خاطر جـدیت مسـئول جـوالی و فراوانـی مسـیحیان مسـلمان شـده (مسالمه) (قاسم، *اهل الذمه*، ٧٠) مبلغ فراوانی از مسیحیان گرفته شد که مبلـغ آن یـازده هزار و چهارصد دینار گزارش شده‌است (مقریزی، *الخطط*، ٢٠١/١). به نظر می‌رسد این

۱– روک کلمه‌ای قبطی و به معنای مساحی زمین‌های زراعی و نوشتن و ثبت آن‌ها برای گرفتن خراج است (ابن تغری بردی، ۱۹/ ٤٢).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

جزیه جوالی جایگزین جزیه برای مسالمه‌ای باشد که جزیه پرداخت نمی‌کردند. چنانکه گفته‌شد مبلغ این جزیه برای فقرا یک دینار، برای افراد متوسط دو دینار و برای ثروتمندان هم چهار دینار بود. ضمن دریافت مبلغ جزیه از فرد ذمی اقرار می‌گرفتند که به احکام اسلام التزام داشته باشد. در صورت امتناع از آن و نزاع با مسلمانان، زنا یا ازدواج با زن مسلمان، راهزنی و دزدی اموال و دارایی مسلمانان، فتنه‌انگیزی در دین اسلام، آزار و اذیت مسلمانان، قتل مسلمان و پناه دادن به مشرکان و دشمنان مسلمانان، علاوه بر أخذ جزیه تمام دارایی‌هایش مصادره و خودش هم به قتل می‌رسید (ابن اخوه، ۹۹).

درآمدِ جزیه، در این دوره به مصرف حقوق والیان، قضات، دانشمندان، محتسبان، جنگجویان و نیز عمران و آبادانی (راه‌سازی، ساختن مساجد، پل‌ها، کاروانسراها، رباط‌ها و لای‌روبی رودخانه‌ها) می‌رسید (بدرالعینی، *الروض‌الزاهره*، ۳۵-۳۶؛ اسماعیل، ۲۸۰). البته به نظر یکی از پژوهشگران مقدار مالیات قبطیان بیشتر از دیگر مردم مصر نبود (کاشف، ۱۶۵).

به کسی که جزیه را از قبطی‌ها دریافت می‌کرد عریف می‌گفتند که البته در دوره ممالیک این شخص دریافت‌کننده به مباشر جوالی معروف شد (قلقشندی، ۳۶۲/۱۳؛ قاسم، *الیهود*، ۱۲۵). او اسامی اهل جزیه را که بیشتر آنها قبطی‌ها بودند مطابق پرداختی آنان در کاغذی می‌نوشت. مباشر جوالی در هر سال رئیس یهودیان و رئیس سامره، کشیش مسیحیان یا اسقفان را مؤظف می‌کرد تا تغییرات آمار را با ذکر نام مهاجران، اسلام آورندگان، اموات و غیره در دفاتر دیوان جوالی وارد کنند (نویری، ۱۷۸/۸؛ اسماعیل، ۷۵). در این لیست، افرادی از یهودیان و مسیحیان که به صورت غیرمنتظره به مصر می‌آمدند تحت عنوان طوارئی (جمع طارئه به معنی فرد غیر بومی) نوشته می‌شد. البته شایان ذکر است که جزیه از هر دو طایفه یهودی و مسیحی گرفته می‌شد (قاسم، پیشین، ۱۴۲).

ب: مالیات‌های مَظالِم و مَغارِم (فوق‌العاده)

تنگناهای مالی دولت از یکسو و حوادث غیرمترقبه چون سیل، خشکسالی و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

آتش‌سوزی از سوی دیگر باعث شد تا دولت ممالیک علاوه بر جزیه از اهل ذمه و به خصوص قبطی‌ها مالیات‌های مضاعف و فوق‌العاده نیز أخذ کند (شرقاوی، ٦٤). این مالیات از یهودیان و مسیحیان و رئیس یهودیان و بَطرَک (سر اسقف) مسیحیان هم أخذ می‌شد و آن‌ها ملزم به پرداخت آن به خزانه سلطانی بودند (قاسم، *الیهود*، ١٤٥).

در پی آتش‌سوزی سال ٦٦٣ در قاهره شایع شد که قبطیان مسیحی در این آتش‌سوزی دست داشتند بنابراین مسیحیان را برای جبران خسارتی که این آتش‌سوزی به‌بار آورده بود، به پرداخت مبلغ حدود پانصد هزار دینار تحت عنوان مالیات ملزم کردند که بَطرَک (سر اسقف مسیحیان) پرداخت این مبلغ را به عهده گرفت (نویری، ١١٤/٣٠). آتش‌سوزی قاهره در سال ٧٢١ و جریمه آن هم از این نوع مالیات‌ها بود (قاسم، *اهل الذمه*، ٧٣).

یکی دیگر از این مالیات‌ها مصادرهٔ اموال بود. در زمان ملک اشرف (٦٧٨ـ ٦٨٩) به سال ٦٨٢، به علت توهین یکی از کارمندان قبطی که به یک مسلمان بدهکار بود، دولت ممالیک، مسیحیان و یهودیان را از مناصب حکومتی عزل کرده اموال آنها را مصادره کردند (مقریزی، الخطط، ٤١٦/٤-٤١٧؛ بوتشر، ٢٦٦؛ تاجرجاک، ١٧٦-١٧٧). هرچند منبعی دیگر این حوادث را سال ٦٩٢ ذکر کرده‌است که اموال بسیاری از مسیحیان در قصرالشمع و کلیسای معلقه از بین رفت (بدر العینی، *عقد الجمان*، ١٨٣/٣).

در زمان حکومت المؤید شیخ محمودی (حک. ٨١٥-٨٢٤) در ابتدای قرن نهم به علت اسلام آوردن یهودیان و مسیحیان مالیات کاهش یافت (مقریزی، *الخطط*، ٢٠١/١). از این رو مقدار این مالیات‌ها سنگین‌تر شد (Stilt, 123). عدم توانایی پرداخت مالیات توسط عده‌ای باعث می‌شد تا از داخل جامعه قبطی کمک خیرخواهانه برای پرداخت مالیات اعضای فقیر صورت پذیرد (Cohen, 136-138). به سبب کاهش مالیات‌های اهل ذمه سپاهیان سلطان المؤید شیخ محمودی با توجه به حضور فعال قبطیان در تشکیلات حکومت ممالیک به تاجران بابلیون حمله کردند و آن‌ها را مجبور به پرداخت اموالی تحت عنوان مالیات کردند. این مالیات در واقع جریمه آنان به خاطر جمع‌آوری اموال و ثروت فراوان بود (بوتشر، ٢٧٢-٢٧٤).

با توجه به اینکه سهم سلطان و حقوق محتسب از راه جمع‌آوری مالیات به دست

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

می‌آمد اولویت اصلی گرفتن مالیات، ملاحظات درآمد و منافع سلطان بود (Stilt, 124). محتسب در دوران مسئولیتش تنها به فکر گرفتن مالیات از کسبه بـود. در اواخـر دوران ممالیک پرداخت حقوق محتسب، به کسبه و مشتریان‌شان بسـتگی داشـت و منجـر بـه ایجاد یک سیستم رسمی‌تر شد که به موجب آن، کسبه پرداخت منظمی به محتسب بـه نام مشاهره (مقرری با پرداخت ماهیانه) داشتند (Stilt, 185).

با این حال، به‌نظر می‌رسد قبطی‌ها در تشـکیلات دیـوانی حکومـت ممالیـک نقـش مهمی داشتند و حاکمان مملوکی از کارایی قبطیـان در کارهـای اداری و مـالی اسـتفاده می‌کردند و در برابر پیشرفت‌های مالی و اقتصادی و نفوذ سیاسـی آنـان کـه در جامعـه نمود بسیاری داشـتند واکنشـی نشـان نمـی‌دادنـد. در مقابـل علمـا بـر ضـد قبطـی‌هـا برمی‌خاستند، فتوا می‌دادند و با همراهی مردم کلیساها را خراب می‌کردند و اموال آنـان را با عنوان شرعی مصادره می‌کردند (ابن الوردی، ۳۸۷/۲) چنان که در سال ۹۰۱، اموال تمام ثروتمندان از جمله مسیحیان قبطی تحت عنوان مالیات مظالم مصادره شد (همـان، ۳۲۰/۳؛ قاسم، *الیهود*، ١٤٦).

ج: مُکوس

مُکوس جمع مَکس، بیشتربه مالیات و عوارض گمرکی که از کالاها گرفتـه مـی‌شـد اطلاق می‌شد. دریافت مالیات مکوس در مصر، از دوره بیزانس رایج بود. این سـرزمین با برخورداری از موقعیت راهبردی در منطقه، با قاره‌های اروپـا، آسـیا وآفریقـا ارتبـاط داشت و به عنوان مرکز تجاری میان شرق و غرب شناخته می‌شد (کاشـف، ۲۹۷–۲۹۸) و این نوع مالیات همواره از کالاهای تجاری وارداتی گرفتـه مـی‌شـد. مالیـات مکـوس ازدوره والیان (۱۹) برای حاکمان مصری درآمدزا بود و از کالاهایی که کشتی‌ها در نیـل انتقال می‌دادند، گرفته می‌شد (بدر العینی، *عقد الجمان*، ۸۱/۱).

در دوره ممالیک نیز، مکوس از جملـه مالیـات‌هـایی بـود کـه حاکمـان ممالیـک از مسیحیان قبطی می‌گرفتند. این مالیات نوعی مالیات غیرشرعی بود که هیچ نوع دستاویز دینی برای آن وجود نداشت (Stilt, 187). از این‌رو، گاه حاکمان مملوکی بـرای جلـب رضایت رعایای خود أخذ این مالیات را ملغی مـی‌کردنـد. مکـوس یـا نقـدی و یـا بـه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

صورت عین مال بود و افراد به اندازه وسعشان مجبور به پرداخت آن بودند (اسـماعیل، ۱۸٦). مسئول جمع‌آوری این مالیات، یک مقام رسمی از دولت مملوکی بود و از آنجـا که یک مالیات غیر معمول بود، به آسانی قابل تفویض به یکی از مقامات رسمی نبود و جمع آوری این مالیات، موضوعی حساس بود و اگر به درسـتی انجـام نمـی‌شـد، مـی توانست به مقاومت پرداخت کنندگان منجر شود (Stilt, 186-187).

۱- مُکوس ساحل‌الغَلّه

تجارت و خرید فروش گندم تا زمان الناصر محمد بن قلاوون در انحصار گروهی از مسیحیان قبطی بود. آنان در مکانی معروف به ساحل الغله در بولاق[1] گندم‌های سراسـر مصر را خرید و فروش می‌کردند و از این راه سالانه سـودی بـالغ بـر چهـار میلیـون و ششصد هزار درهم بدست می‌آوردند. آنان با پرداخت سـه هـزار تـا ده هـزار درهـم و امیران از ده هزار تا چهل هزار درهم، این انحصار را برای خود حفظ مـی‌کردنـد. ایـن تجارت ظالمانه و نابرابر باعث ثروت فراوان برای قبطی‌های تاجر بـه عنـوان صـاحبان اقطاع شده‌بود که با دستور ناصرمحمدبن قلاوون، ایـن تجـارت و مالیـات آن باطـل، و تولیت آن به حکومت واگذار شد (مقریزی، *خطط*، ۱٦۷/۱؛ ابن تغری بردی، ٤٤/۹-٤٥).

۲- مُکوس فوق‌العاده

یکی از این مالیات فوق‌العاده زمانی بود که بیبرس در سال ٦٦۰ از هر قبطی سـالیانه یک دینار برای لشکریانش می‌گرفت (اسماعیل، ۱۹۰). البته این نـوع مالیـات از زائـران سرزمین‌های مسیحی مقدس با عنوان مَکس‌الحجاج نیز گرفته می‌شد چنان‌کـه در سـال ۷٦٦، از هر فرد شصت‌وسه درهـم نقـره گرفتـه مـی‌شـد. در سـال ۸۸۵ ایـن مبلـغ بـه سیصدوهشت درهم در سال هم رسید که سـلطان قانصـوه غـوری در سـال ۹۱۹ آن را ابطال کرد. شبه «جالیه مکوس»، ترکیبی از جزیه و مکوس است که قبطی‌هـا نیـز آن را پرداخت کرده ولی نمی‌دانستند که چه کسی این مالیات را بر آنها واجب کرده‌است. این مکوس را قبطی‌های شهرهای برلس، دمیاط، فارسکور و بلطیم می‌پرداختند و مقـدارش

۱- شهری بزرگ و جزیره‌ای است که نیل آن را احاطه کرده‌است و دارای جمعیت و درختان خرمای زیاد است (مقریزی، خطط، ۱/ ۳٦۸).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

در هر سال شصت هزار درهم بود. سلطان منصور (حک. ۷۷۸–۷۸۳) در سال ۷۸۲ آن را ابطال کرد. نوع دیگری از مالیات مکوس قبطی‌ها، مالیاتی به نام «واجب الذمه» بود و تاجران اقباط آن را پرداخت می‌کردند (همان، ۱۹۱).

د: حقوق سلطانیه

در زمان سلطان آیبک (حک. ٦٤٨–٦٥٥) حاکم مملوکی بحری، مالیات‌هایی با عنوان‌های حقوق سلطانی و معاملات دیوانی به‌وجود آمد. وزیر قبطی او که تازه مسلمان شده بود، با وضع این مالیات، اموال فراوانی از قبطی‌ها برای سلطان فراهم آورد (مقریزی، السلوک، ۱/ ٥٠٦، ٥٠٧، ۲/ ٦٦٩؛ همو، الخطط، ۱٦٤/۳؛ تاجرجاک، ۱۷٤). پس از آن نیز مبالغی با این عنوان از یهودیان و قبطیان اخذ شده‌است. بازارهای مصر از این مالیات‌هایی که تعداد و میزان آن‌ها هر ساله رو به افزایش بود، رنج می‌برد. این مالیات‌ها به‌صورت ماهانه و هفتگی دریافت می‌شد و تأثیر بسیار زیان‌باری بر بازارها و تجارت داخلی به مفهوم عام داشت. گزارش‌های بسیاری در این‌باره وجود دارد: در سال ۷٤۹، برای ایجاد پل از سمت جیزه به سمت قاهره تمام مردم از جمله یهودیان و مسیحیان مجبور به پرداخت مالیات‌هایی شدند (قاسم، *عصر السلاطین*، ۲٦٦). در سال ۷۹۱، هنگام فرار ظاهر برقوق و زمانی که امیرمنطاش نقیب‌الجیش، شیخ‌شمس‌الدین محمد رکراکی قاضی مالکی را ملزم کرد به پادشاهی او فتوا دهد. او حتی بَطرَک (سر اسقف) مسیحیان و رئیس یهودیان را بازداشت کرد و از آن‌ها اموالی جهت رتق‌وفتق امور خواست که مبلغ آن از بَطرَک (سر اسقف) مسیحیان یک‌صدهزار درهم و از رئیس یهودیان پنجاه‌هزار درهم بود (مقریزی، *السلوک*، ۲٦٤/٥؛ ابن تغری بردی، ۳۰۱/۱۱).

در سال ۷٥٥، در زمان سلطان حسن‌بن ناصرمحمدبن قلاوون (۷٦۳ـ ۷٥٥) زمین‌های زیادی در اختیار قبطی‌ها بود به این جهت ۲٥۰۰۰ فدان از اراضی و منافع کلیساها و دیرها توقیف شد و به عنوان اقطاع به امیران انعام داده شد. البته به‌نظر می‌رسد علت اصلی این کار سلطان، گزارش‌هایی مبنی بر نفوذ و سوءاستفاده قبطیان ازجمله توسعه کلیساها بود. سلطان با توجه به اختیارات خود برای مصادره، تحت عنوان مالیات، اقدام به گرفتن این زمین‌ها کرد (مقریزی، *السلوک*، ٤۲۰/٤).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

در سال ۸۱٦ به زور و اجبار از خانواده شراب‌فروشان قبطی و گروه‌های سه‌گانه یهود سیصد قنّینه (کوزه سفالی شراب) شراب برای سلطان مؤید شیخ (۸۲٤ــ ۸۱۵) مالیات گرفته شد (مقریزی، *السلوک*، ۳٥٦/٦؛ قاسم، *اهل الذمه*، ۷۳). در سال ۸۱۹ هم والی قاهره از مسیحیان و یهودیان قاهره مالیات جدیدی برای سروسامان دادن اوضاع با همان اختیارات وصول کرد (قاسم، *الیهود*، ۱٤٦). برخی از افراد برای فرار از پرداخت مالیات پنهان می‌شدند و یا به شهرهای کوچک‌تر که فشار مالیاتی کمتر بود می‌رفتند (Goitein, 95). زیرا پرداخت نکردن مالیات می‌توانست منجر به تنبیه بدنی یا زندانی شدن آنان شود.

این حقوق سلطانی در برخی مواقع چندان زیاد بود که بازریان را به کم‌فروشی و تقلب در فروش کالاها سوق داده بود. سخاوی در ضمن گزارش حوادث سال ۸٤۷ می‌نویسد: «... کم‌فروشی در اوزان و تقلب در کالاها افزایش یافت و این موضوع به صورت شدیدی رایج شد و بازاریان را نسبت به آنچه از حقوق ماهانه و هفتگی بر آن‌ها تحمیل شده بود به طمع انداخت» (سخاوی، ۷۷).

و: مالیاتِ تجهیز سپاه

حاکمان مملوکی به هنگام جنگ با صلیبی‌ها و مغولان نیاز مالی خود را از طریق مردم به‌ویژه قبطی‌ها برآورده می‌کردند. بیبرس (٦٥۸–٦۷٦) که با صلیبی‌ها و مغولان جنگ داشت در سال ٦٦۰ از قبطیان اموال زیادی به عنوان مالیات گرفت (ابن ایاس، ۳٤۱/۱؛ تاجرجاک، ۱۷۳). مالیات اعلام شده یک دینار برای هر فرد در سال بود که منصور قلاوون آن را در سال ٦۷۸ باطل اعلام کرد (مقریزی، *الخطط*، ۱۹۹/۱، قاسم، *اهل الذمه*، ۷۱).

اشرف قایتبای (۸۷۲–۹۰۱) برای تجهیز سپاه جهت نبرد با عثمانی‌ها در سال ۸۸٦ از بَطرَک (سر اسقف) مسیحیان و رئیس یهودیان اموالی را گرفت (کاشف، ۱۱۳). در سال ۸۹۳ نیز سلطان قایتبای این کار را تکرار کرد (ابن ایاس، ۲٤۸/۳) و به محتسبی به نام کاسبای دستور داد بزرگانِ کسبه بازار را دور هم جمع کند. سپس سلطان از آن‌ها خواست برای انجام یک مأموریت نظامی مبلغ چهل هزار دینار را به صورت گروهی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

پرداخت کنند. هرچند ابتدا با مخالفت آنان روبرو شد ولی پس از مذاکراتی آن‌ها با پرداخت مبلغی توافقی موافقت کردند. با وجود اینکه در روایت، ماجرا مشخص نشده‌است اما مأموریت نظامی باید مربوط به جنگ‌های زمینی با عثمانی‌ها در سال ۸۹۱ باشد. کاسبای که از سال ۸۹۱ تا ۹۰۱ به عنوان محتسب مسئولیت داشت فردی نظامی بود و تمایل داشت مشکلات را با نشان دادن قدرت خود حل کند. تاریخ‌نگاران گزارش کرده‌اند که اندکی پیش از این ماجرا مردم فقیر از گرسنگی در خیابان‌ها می‌مردند. در پاسخ به این وضعیت، سلطان برخی از انبارها را باز کرد و گندم را به قیمت هر ارداب (واحد اندازه‌گیری شامل ٢٤ صاع و هر صاع معادل ۲,۷۵ لیتر (قلقشندی، ۱۵۲/۳) پنج دینار فروخت. بعد از آن کاسبای کسبه را برای کوتاهی در فراهم کردن و در اختیار گذاشتن نان در مغازه‌ها شلاق زد. کاسبای در دوران خدمتش در مورد سایر مسائل مربوط به قیمت‌ها و در دسترس قرار دادن غذا در شهر با همین روش رفتار می‌کرد (Stilt, 191).

سلطان مملوکی قانصوه غوری (۹۰۷-۹۲۲) آخرین سلطان مملوکی است که به‌منظور آمادگی جنگ مالیات‌های سنگینی را بر مردم از جمله قبطی‌ها تحمیل کرد (بوتشر، ٢٧٦-٢٧٧).

ط: مالیات مواریث

یکی دیگر از اموالی که از اهل ذمه حسب شریعت اسلامی گرفته می‌شد مواریث آنان بود و این در صورتی اجرایی می‌شد که شخص متوفی وارثی نداشته باشد. در این‌گونه موارد اموال او به خزانه دولت وارد می‌شد و بطرک قبطی هم ملزم به تأیید آن بود که این منشور در قصر سلطانی قرائت می‌شد (بوتشر، ٢٦٧). مواریث مسیحیان به همراه یهودیان در کتاب‌های دوره مملوکی از جمله مالیات‌های شرعی قلمداد شده که در دیوان «المواریث الحشریه» وارد می‌شد (قلقشندی، ٤٦٠/٣). مأمور دیوان مواریث در عصرممالیک وظیفه‌داشت در هنگام بحران‌هایی از قبیل شیوع بیماری وبا و طاعون، جاری شدن سیل و خشکسالی که تعداد کشته‌شدگان افزایش می‌یافت، آمار کشته‌شدگان را ثبت کنند (اسماعیل، ١٦٩). در سال ۷۰۰ و در زمان سلطان ناصر محمد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

بـن قـلاوون (٦٩٨-٧٠٨) مواریـث آنـان نیـز مثـل مواریـث مسـلمانان در ایـن دیـوان جمع‌آوری، و اگر آن شخص وارثی نداشت مالکیت آن به بیت المال منتقل می‌شد و در واقع درآمدی برای دولت و حکومت بود (اسماعیل، ۱۷۰-۱۷۱).

گروهی از اشرار در رمضان سال ۸٤۱، بر مواریث اهل ذمـه کـه بایـد تحـت اختیـار بطرک مسیحی می‌بود، مسلط شدند. اهل ذمه به سلطان متوسل شدند و سـلطان نیـز آن اموال را مصادره و جزو اموال سلطانی قرارداد (مقریزی، *السلوک*، ۳۵۱/۷؛ ابـن ایـاس، ۱۸۳/۲؛ ابن صیرفی، ٤۰٦/۳).

نتیجه

دولت ممالیک بخشی از درآمدهای مالیاتیِ خود را مانند دولت‌های پیشـین بـا أخـذ مالیات‌های چون خراج اراضی و جزیه از غیرمسلمانان بـه‌خصـوص قبطـی‌هـا بدسـت می‌آورد. امور مالیاتی ممالیک که بر ظلم و ستم بـر اقلیـت مـذهبی مسـیحی و یهـودی استوار بود، به سبب نبود نظام ثابت و نیز دشواری در مدیریت بودجه و همواره در حال تغییر و دگرگونی بود. ممالیک به سبب تغییرات آب و هوایی و وقـوع بلایـای طبیعـی دچار کبود تولید شده بودند همچنین آنها به علت فساد نظـام اداری و تـداوم سیاسـت جنگی درگیر افزایش هزینه‌های دولتی شده بوند به همین رو سـلاطین مملـوکی بـرای رفع تنگناهای مالی مجبور شدند تا در تعداد مالیات‌ها و چگونگی و مقدار دریافت آنها از غیر مسلمانان تغییراتی ایجاد کنند. ممالیک به بهانه‌های مختلف مالیات‌های قبطیان را اضافه کردند و با دریافت مالیات‌های چون: جزیه، ساحل‌الغَلَّه، حقوق‌سـلطانیه، مَظـالِم، مُکوس، مواریث، جریمه و مالیات برای تجهیز سپاه، تلاش کردند تـا ضـمن خـروج از تنگناهای مالی، کسری بودجه خود را جبران نمایند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

منابع

ـ ابن اخوة، قرشی، محمدبن‌احمد، *معالم القربة فی احکام الحسبة*، تحقیق دکتر محمد شعبان و صدیق احمد عیسی المطیعی، قاهره، الهیئة المصریه العامه للکتاب، ۱۹۷٦م.

ـ ابن الوردی، عمربن مظفر، *تاریخ ابن الوردی*، نجف، مطبعةالحیدریة، ۱۳۸۹ش.

ـ ابن ایاس، محمد بن احمد، *بدائع الزهور فی وقائع‌الدهور*، تحقیق محمد مصطفی، بیروت، معهد الالمانی للابحاث الشرقیه، ۲۰۱۰م.

ـ ابن تغری بردی اتابکی، جمال‌الدین ابی المحاسن یوسف، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهره*، بیروت، دارالکتب العملیة، چاپ اول، ۱۹۹۲م.

ـ ابن صیرفی، خطیب جوهری علی بن داود، *نزهة النفوس و الابدان فی تواریخ الزمان*، تحقیق دکتر حسن حبشی، بیروت، مطبعه دارالکتب، ۱۹۷۱م.

ـ ابن عبدالحکم ابی القاسم عبدالرحمن بن عبدالله، *فتوح مصر و اخبارها*، مطبعة بریل، لیدن، ۱۹۲۰م.

ـ ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بی‌تا.

ـ اسماعیل، بیومی، *النظم المالیه فی مصر والشام زمن سلاطین الممالیک*، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۸م.

ـ بدر العینی، محمود بن احمد، *الروض الزاهره فی سیره ملک الظاهر ططر*، تحقیق دکتر هانس ارنست، بیروت، داراحیاء الکتب العربی، ۱۹٦۲م.

ـ بدر العینی، محمود بن احمد، *عقدالجمان فی تاریخ اهل الزمان*، تحقیق دکتر محمد امین، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۸۹م.

ـ بوتشر، لوئیزا، *تاریخ الکنیسه المصریه*، ترجمه وتلخیص میخاییل مکسی اسکندر، مکتبه المحبه، چاپ اول ۲۰۰۳م.

ـ تاجرجاک، *اقباط و مسلمون منذ الفتح العربی الی عام ۱۹۲۲ م*، قاهره، کراسات التاریخ المصری، ۲۰۱۰م.

ـ خوارزمی، محمدبن احمد، *مفاتیح العلوم*، مصر، اداره الطباعه المنیره، ۱۳٤۲ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

ـ دنت دانیل، *مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام*، ترجمه محمد علی موحد، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ دوم ۱۳۵٤ش.
ـ سخاوی، شمس الدین محمدبن عبدالحمن، *التبر المسبوک فی ذیل السلوک*، تحقیق ا. نجوی مصطفی کامل و لبیبه ابراهیم مصطفی، قاهره، دارالتب الوثاق، ۲۰۰۲م.
ـ شبارو، عصام محمد، *السلاطین فی المشرق العربی معالم دورهم السیاسی و الحضاری*، بیروت، دارالنهضه العربیه للطباعه و النشر، ۱۹۹٤م.
ـ شرقاوی مدیحه، *برسبای و سیاستاه الداخلیه و الخارجیه*، قاهره، الدارالثقافیه، چاپ اول، ۲۰۰۸م.
ـ طقوش، محمد سهیل، *تاریخ الممالیک فی مصر و بلاد الشام*، بیروت، دارالنفایس، ۱۹۹۷م.
ـ عامر فاطمه، مصطفی، *تاریخ اهل الذمه فی مصرالاسلامیةمن الفتح العربی الی نهایه العصر الفاطمی*، الهیئة المصریه العامه للکتاب، ۲۰۰۰م.
ـ عطا، زبیده محمد، *الیهود فی العالم العربی*، عین للدراسات و البحوث الانسانیه و الاجتماعیه، چاپ اول، ۲۰۰۳م.
ـ قاسم، عبده قاسم، *الیهود فی مصر من الفتح الاسلامی حتی الغزوالعثمانی*، مصر، عین للدراسات و البحوث الانسانیه والاجتماعیه، چاپ اول، ۱٤۳٦.
ـ قاسم، عبده قاسم، *اهل الذمه فی مصر العصور الوسطی دراسته و ثائقیه*، قم، دارالمعارف، چاپ دوم، ۱۹۷۹م.
ـ قاسم، عبده قاسم، *عصر سلاطین الممالیک، التاریخ السیاسی و الاجتماعی*، مصر، عین للدراسات و البحوث الانسانیه و الاجتماعیه، چاپ اول، ۲۰۱۲م.
ـ قلقشندی، احمد بن علی، *صبح الاعشی فی صناعه الانشاء*، قاهره، دارالکتب المصریه، دارالکتب السلطانیه، ۱۹۱۸م.
ـ کاشف، سیده اسماعیل، *مصرالاسلامیة و اهل الذمه*، قاهره، الهیئة المصریه للکتاب، ۱۹۹۳م.
ـ ماوردی، ابن الحسن علی بن محمد بن حبیب، *احکام السلطانیه و الولایات الدینیه*، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی‌تا.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]

ـ محمود، سلام شافعی، *اهل الذمه فی مصر العصر الفاطمی الثانی و العصر الایوبی*، قم، دارالمعارف، ۱۹۸۲م.
ـ مقریزی، تقی الدین، *اغاثة الامة بکشف الغمة*، قام علی نشره محمد مصطفی زیاده، جمال الدین الشیال، قاهره، مطبعه لجنه التألیف و الترجمه و النشر، چاپ دوّم، ۱۹۵۷م.
ـ مقریزی، تقی‌الدین، *السلوک لمعرفه دول الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادرعطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷م.
ـ مقریزی، تقی‌الدین، *المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار*، مصحح و محشی خلیل منصور، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۸م.
ـ میکل، آندره با همکاری هانری لوران، *اسلام وتمدن اسلامی*، ترجمه حسن فروغی، تهران، سمت، ۱۳۸۱ش.
ـ نجوان، احمد سعید، *الحسبه فی مصر عصر سلاطین الممالیک دراسته فی التاریخ الاقتصادی و الاجتماعی*، هرم، عین للدراسات و البحوث الانسانیه والاجتماعیه، چاپ اول ۲۰۱٤م.
ـ نورایی مرتضی و مهناز شعربافچی زاده، *تاریخ نگاری محلی و خطط نویسی در مصر دوره اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول ۱۳۹۰ش.
ـ نویری، شهاب‌الدین احمد، *نهایه الارب فی فنون الادب*، تحقیق دکتر نجیب مصطفی فواز- دکتور، کشلی فواز، بیروت، منشورات محمد علی بیضون و دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۲۰۰٤م.
ـ یاقوت حموی، معجم *البلدان*، دار صادر و داربیروت، بی‌جا، ۱۹۵۷.
_ Stilt, Kristen, Islamic Law in Action: Authority, Discretion, and Everyday Experiences in Mamluk Egypt, Oxford University Press, New York, 2011.
_ Goitein, Solomon Deb Fritz, A Mediterranean Society: The jewish Communities of the Arab world as Portrayed in the Documents of the Cario Geniza, University of CalIfornia Press, 1967.
_ Cohen Mark R, Poverty and Charity in the Jewish Community of Medieval Egypt, Princeton university press, Princeton, 2005.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.5.9]